

به نام خدا

آفت عشق

مؤلف :

سمانه براتی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: براتی، سمانه، ۱۳۶۶
عنوان و نام پدیدآور: آفت عشق / مولف سمانه براتی.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۹۰-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: عشق
رده بندی کنگره: LB۱۰۶۰
رده بندی دیویی: ۳۷۰/۲۴
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۰۳۵۳۳۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: آفت عشق
مولف: سمانه براتی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زیرجد
قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۹۰-۱
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست

- مقدمه ۵
- فصل اول: فضای مجازی ۷
- فصل دوم: غرور ۱۳
- فصل سوم: دروغ ۱۹
- فصل چهارم: غر زدن ۲۷
- فصل پنجم: توهین و شوخی ۳۳
- فصل ششم: مقایسه کردن ۴۱
- فصل هفتم: بی نظمی و بدقولی ۴۵

مقدمه

نهاد مقدس خانواده ارزشمندترین و زیباترین بنای آفریده شده در نظام هستی است و به همان اندازه که می تواند مستحکم و امن باشد به همان اندازه هم در خطر فروپاشی قرار دارد و حساس و آسیب پذیر است. هر فردی قبل از امر مقدس ازدواج میبایست مانند هر تصمیم دیگری ابتدا به درستی مسیله را تحقیق و بررسی نموده و مهم تر اینکه به دانش و مهارتهای همسر داری دست پیدا کند. همانطور که ما بدون آموختن رانندگی دچار تصادف و ضرر و زیان خواهیم شد در امر ازدواج هم میبایست به مهارت و دانش برسیم.

بنابراین در این کتاب بر آن شدم تا عوامل موثر بر زندگی زناشویی که باعث عدم رضایت زوجین ، عدم لذت و گاهاً جدایی منجر می شود را بازگو کنم.

فصل اول: فضای مجازی

زندگی انسان از آغاز خلقت تاکنون همواره دستخوش تغییرات زیادی بوده است بی‌شک دنیای مدرن بر زندگی خانوادگی و زناشویی بی‌تاثیر نبوده است. همان قدر که به راحتی و آسایش زندگی بشر کمک کرده همان قدر هم آسیب رسان بوده است. فضای مجازی و برنامه‌های پیام رسان جای صحبت‌ها و خوش و بش‌های خانوادگی و زناشویی را گرفته است. کمتر زوجی دیده می‌شود که وقتی کنار همسرش هست دوست داشته باشد به جای هم صحبتی با همسرش سرگرم فضای مجازی باشد مگر زوجینی که مشکلات پایه و ریشه‌ای با هم دارند و اساساً از با هم بودن لذت نمی‌برند. روی صحبت‌ها با آن دست از همسرانیست که یکدیگر را و کنار هم بودن را و با هم زیستن را دوست دارند. حالا فرض کنید خانمی که از صبح تا شب مشغول کار در منزل و سر و کله زدن با بچه‌ها بوده و یا نه در محیط کار به سر برده است بعد از ورود همسرش نیاز به یک هم صحبت دارد تا از دغدغه‌ها، روزمرگی‌ها و نیازهایش سخن بگوید ولی با مردی روبرو می‌شود که به محض ورود به منزل چشم از صفحه موبایل بر نمی‌دارد و حتی وقتی از

او سوالی می پرسد یا باید چند بار تکرار شود و یا اصلاً متوجه سوالش نمی شود و اگر هم انتقاد کند ممکن است با اعتراض همسرش مواجه شود. البته ناگفته نماند که اکثر مردها نیاز به ساعتی تنهایی بعد از ورود به منزل دارند و ممکن است این تنهایی را با حضور در فضای مجازی کسب کنند. عکس این قضیه هم صادق است مردان خوش مشرب و اهل خانواده‌ای هستند که وقتی وارد منزل می شوند دوست دارند گفت و شنود داشته باشند، حتی شما از روزمرگیتان برایشان بگویید و آنها آنقدر غرق لحن زیباییاتان شوند که حتی یادشان برود که به حرفهایتان گوش بدهند!!! ولی خانم خانه آنقدر درگیر ادا اطوارها و خودنمایی‌های فضای مجازی شده که یادش می رود مردی که وارد منزل شده است به امید یک نگاه گرم، یک لبخند شیرین و یک آغوش باز در را گشوده است. باز هم خاطر نشان می کنم که من زوجینی را در نظر می گیرم که علاقه‌ای ابتدایی بین آنها وجود داشته و مشکل ریشه‌ای و عمده‌ای در زندگی زناشویی ندارند که اگر چنین باشد فرار به فضای مجازی یا نوعی واکنش دفاعی است یا اعتراض به وضع موجود.

اعتیاد به هر چیزی انسان را از خود بیخود می کند چه مخدر و الکل باشد چه فضای مجازی که می تواند عمیق ترین دوست داشتنها و زیباترین علایق را خدشه دار کند و جان عشق را به لبش برساند گاهی

اعتراض‌ها هم بی‌ثمر است آنقدر زوجین در این اعتیاد غرق می‌شوند که التماس‌ها و درخواست‌های همسرشان بی‌نتیجه است چشم‌هایشان نمی‌بیند و گوش‌هایشان نمی‌شنود. بعضی از زوجین وقتی وارد خانه می‌شوند حتی بدون اینکه لباس‌هایشان را عوض کنند روی کانپه دراز می‌کشند و حتی به همسرشان نگاهم نمی‌کنند و چشمان پر از شوق او را نمی‌بینند. آنها نمی‌دانند که او همه روز را لحظه شماری کرده تا شب همسرش از راه برسد و او را با بوسه‌ای در آغوش بکشد و از بوی غذایی که برایش با عشق ترتیب داده است تعریف کند. وقتی هم که به او می‌گوید به من توجه کن یا وقتی برایت حرف می‌زنم نگاهم کن می‌گوید بگو گوشم با توست!!!

اوقفط گوشت را نمی‌خواهد او نگاهت را می‌خواهم او توجهت را می‌خواهد او دلش می‌خواهد گاهی از چشمانش بخوانی هر آنچه را که در دل دارد ولی افسوس که چنین همسرانی نمی‌دانند کانون گرم عاشقانه آنها تنها ماوا و پناهی است که از مشکلات و سختی‌های زندگی به آن پناه ببرند. آنها می‌پندارند فضای پر زرق و برق و یا گاهی پر از ناله‌های فیک می‌تواند مرهمی بر ناکامی‌هایشان باشد.

عکس‌العمل بیشتر زوجین به این نوع رفتار همسرشان این است که وقتی گوش شنوایی و چشم پرهیجانی برای وجودشان در این زندگی

نیست بهتر است من هم مثل او خودم را سرگرم فضای مجازی کنم و اینجاست که فرزندان بیشترین آسیب را می‌بینند و دائم شاهد پدر مادرهایی هستند که همه توجهشان به صفحه موبایل است و گاهی این فرزندان برای جلب توجه و دیده شدن دست به بزهکاری می‌زنند. در خوشبینانه‌ترین حالت همسر و فرزندان خود را می‌توانند سرگرم کارهای مفید کنند تا تنهائیشان را پر کنند ولی باز هم از شکافی که بین افراد خانواده ایجاد شده نمی‌توان چشم پوشید. حتی اگر یک زوج یا یک فرزند از این تنهائی پله بسازد و رشد کند باز هم انسان نیست که نیمی از دنیایش را خلع وجود همسر یا والد پر کرده است. خلاء توجه پدر یا مادر.

شکاف بین همسران یا فرزندان و پدر و مادر اولین تاثیر منفی فضای مجازی است که زمینه ایجاد مشکلات بعدی را فراهم می‌کند. مرد یا زنی که درگیر فضای اغراق آمیز مجازی شده اول به رابطه زناشویی ضربه می‌زند و در بهترین حالت فقط از همسرش و یا فرزندان دور می‌شود ولی بد ماجرا زمانی است که دنبال بهتر از همسرش، بهتر از فرزندش، بهتر از خانهاش و بهتر از شغلش در این فضای افسارگسیخته می‌گردد که منجر به احساس پوچی و ناکامی روزافزون می‌شود بطوری که امروز از اوضاع زندگی رضایت خاطر ندارد و فردا از همسرش.

شاید بگویید خیلی اغراق آمیز برخورد می‌کنی ولی مگر همه مردان و زنانی که صبح تا شب زن‌های خالی از ایراد ظاهری با چهره‌ای که ترند است و مردانی که اندامی سیکس پک با دندان‌های لمینت و چهره‌های زاویه‌دار می‌بینند قرار است به همسرشان بگویند که من از تو خوشم نمی‌آید و کاش همسرم چنین و چنان بود! ویا افرادی را می‌بینند که قصه زندگی‌شان را از وسط تعریف می‌کنند و فقط ماشین‌های لاکچری و خانه‌های دوبلکس و پنت هاوس‌هایشان را به نمایش می‌گذارند بیشترین خاصیتش انگیزه پیشرفت است که بعید می‌دانم در کمتر کسی نیروی محرکه باشد.

فضای مجازی از ظاهر افراد گرفته تا نوع غذایی که می‌خورند، نحوه برخورد‌های بداهه‌شان در گفتگوها، شرایط زندگی، عشق‌های ظاهر فریب توخالی، ابراز احساس‌های لحظه‌ای و اعتراض به شرایط موجود را به نمایش گذاشته و هر روز ما را از آنچه که هستیم ناراضی‌تر و ناامیدی‌تر می‌کند.

اگر استفاده بیش از حد از فضای مجازی در یکی از زوجین یک مکانیسم دفاعی در مقابل ضعف‌ها و مشکلات زندگی زناشویی نباشد بهتر است با صحبت کردن (وابراز نیاز به دیده شدن و توجه که از نیازهای زنان است) مشکل را ابراز کرده و سعی در رفع این مشکل کرد ولی اگر فرار

به فضای مجازی یک مکانیسم دفاعی باشد باید زندگی زوجین بررسی شده تا مشخص شود کدام خلا باعث این امر افراطی شده است.

از مشکلات زمینه‌ای می‌توان به عدم رضایت از همسر که خود دلایل زیادی دارد اشاره کرد گاهی نیز افراد برای ندیدن وضعیت موجود مالی و مشکلات شخصی به فضای مجازی روی می‌آورند به هر حال آنچه که واضح است بررسی علت و رفع مشکلی است که فرد را وادار به این وابستگی کرده است. گاهی هم شاید این مشکل ما زن‌هاست که بلد نیستیم وارد دایره محبوب همسرمان شویم و چون آنها خود را در این دایره تنها می‌بینند سراغ فضای مجازی می‌روند چه اشکالی دارد اگر منی که به فوتبال علاقه‌مند نیستم با همسرم مسابقه فوتبال تماشا کنم و یا حتی اطلاعاتم را در این زمینه بیشتر کنم یا اگر به شطرنج یا فوتبال دستی علاقه‌مند است من هم یاد بگیرم و همراه و همبازی و رفیق دایره محبوب او باشم یا آقایان کنار همسر خود در انجام کارهایی مثل آشپزی کمک کنند. گاهی فقط این با هم بودن فیزیکی خالی از هرگونه مهارت می‌تواند دل‌های همسران را به هم نزدیک کند و رنجش‌های کهنه را از بین ببرد.

فصل دوم:

غرور

به جرات می‌توان گفت رابطه زناشویی نزدیک‌ترین، صمیمانه‌ترین و گرم‌ترین رابطه بین فردی می‌تواند باشد به شرطی که عاری از هرگونه تفاخر و غرور شکل بگیرد. زوجینی که در ابتدای رابطه خود را برتر از طرف مقابل می‌دانند و حتی این برتری را به زبان می‌آورند یا با رفتارشان نشان می‌دهند مسلماً رابطه گرمی نخواهند داشت. هر انسانی، فردی را برای همسری می‌پسندد و برمی‌گزیند که حس هم سطحی مخصوصاً عاطفی با او داشته باشد حتی اگر یکی از زوجین از لحاظ اقتصادی، تحصیلی و سطح خانوادگی یا زیبایی بر دیگری برتری داشته باشد این مسئله را هرگز نه با زبان و نه با رفتار خود نمی‌بایست به همسرش ابراز کند. هیچ انسانی زندگی زیر یک سقف را با کسی که او را هم سطح خود نمی‌داند دوست ندارد. ابراز علاقه به یک فرد مغرور و خود برترین قطعاً سخت‌تر است. طبق منابع علمی روانشناسی شخصیت‌های خود شیفته، افراد وابسته و سلطه‌جو را برای ازدواج طلب می‌کنند و برعکس افرادی که شخصیت وابسته‌ای دارند و اجازه می‌دهند دیگران برای آنها تصمیم‌گیری کنند و خود را در همه شرایط

زندگی وابسته به دیگران می‌دانند پارت‌تر خوبی برای افراد خودشیفته و مغرور هستند. البته افراد خودشیفته غرور کاذبی دارند که به علت‌های مختلف از عقده حقارت در کودکی شکل گرفته است.

طبق نظر آلفرد آدلر روانکاو، عقده حقارت جبران افراطی حس شکست و حقارت است که به عقده برتری تبدیل شده و فرد نظر اغراق آمیز در مورد توانمندی‌های خود دارد. طبق گفته کرنبرگ ما باید در کودکی حس توانمندی قدرت و کارایی و شایستگی را تجربه کنیم اگر والدین ما عکس این عمل کنند حس ناتوانی و شرم در کودک شکل گرفته و برای سرپوش نهادن به این حس شرم به نقاب خودشیفتگی متوسل می‌شوند و اینگونه افرادگاهی عزت نفس شکننده‌ای دارند.

زوجینی که با حس غرور به رابطه زناشویی می‌نگرند مسلماً عاطفه و گرمی رابطه خود را می‌کشند زیرا هیچ زن یا مردی حاضر نیست با فردی که دائم خود را برتر می‌بیند ارتباط صمیمی و گرمی برقرار کند. گاهی نتیجه این غرورهای بی‌مورد دوری زوجین از یکدیگر، دروغ و پنهانکاری و حتی خیانت است. همواره انسان‌های طبیعی در امر ازدواج به دنبال این هستند که خودشان باشند و همسرشان نیز هم سطح آنها باشد.

فرزندانی که در چنین خانواده‌هایی پرورش می‌یابند در دو سر طیف باشند یا همانند والد مغرور، ویا متنفر از والد مغرور. هر زن یا مردی برای احساس آرامش و پیشرفت و دلگرمی و یکی شدن نیاز به همسری فروتن، گرم و صمیمی دارد.

اینکه یک زن یا مرد درد دل‌ها و مشکلاتش را برای دوست یا خانواده بازگو می‌کند ولی همسرش را آنقدر به خود نزدیک نمی‌بیند که او را شریک احساساتش بداند می‌تواند از عدم درک حس برابری با همسرش باشد. مادامی که زن یا مرد نگاه بالا به پایین به شریک زندگیش دارد و با زبان و رفتارش این ناهم سطحی را به رخ او می‌کشد کانون گرمی شکل نمی‌گیرد و حس تنفر و روز به روز دورتر شدن حاصل خواهد شد. از این رو بهتر از قبل از ازدواج همسری انتخاب شود که همسطح و هم کفو بوده تا در آینده چنین مسائلی رخ ندهد.

اما گاهی وقتی احساس قبل از عقل وارد کار می‌شود و فرد بدون توجه به عواقب زندگی با فردی که هم سطح او نیست ازدواج می‌کند ممکن است مسائل گفته شده در آینده گریبانگیر وی شود. حتی اگر خود زوجین به این مسئله توجه نکنند و یکدیگر را با همه تفاوت‌ها بپذیرند ولی ممکن است هنگام ارتباط با خانواده و اقوام همسر خود این نابرابری را به گونه‌ای ناخوشایند حس کنند.